



سبز است زیتون مقاومت همیشه

ویژه
مقاومت

تا قله

نام تو بزرگ بود
کوه را به لرزه می کشاند
نام تو
هر چه تشنه را
به آب می رساند
پرچمت
تا بلند آسمان رسید
راست گفته ای
با مقاومت به قله می توان رسید
منیره هاشمی

منیره هاشمی

بمبها

بمبهای بی خیال سرد
بمبهای ظالم سیاه
با درخت سربلند ما چه کرد؟
بمبها خیالشان
با نبودن درخت
فصل سبزی درختها تمام می شود
بمبها چه فکر کرده اند
بعد از او تمام باغ
با صدای رویش جوانه ها
پر از سلام می شود

مسیر تو

شهر بود و انفجار
دود و آتش و غبار
تیک و تاک ساعت و قرار
تو
چون همیشه پای کار
استوار استوار
توی فکر تو
نقشه ای بدون نقص
نقشه ای تمیز بود
بهترین گزینه های حمله و دفاع
روی میز بود

ناگهان
باز انفجار
انفجار یک خبر ...

رفتی و مسیر تو
در برابر من است
رفتی و چراغ سنگر مقاومت

همیشه روشن است
زهرای عراقی

باران لبخند

سید که لبخندش
مانند باران بود
عطر نفس هایش
چون سیب لبنان بود

در موقع آشوب
در لحظه طوفان
چتر سپیدی بود
روی سر لبنان

مانند خورشیدی
او نور می پاشید
بر سرزمین قدس
بی تاب می تابید

در بارش صد بمب
یک باره پر پر شد
چشمان مردم هم
از رفتنش تر شد

فاطمه ناظری



۵

نخستین
شماره ۲ آبان ۱۳۹۴

